یادداشت روز

کدام نامزد شایسته‌تر است؟

انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ روز دیگر به ایستگاه پایانی می‌رسد و مدیر امور اجرایی کشور در ۴ سال آینده، با رأی مردم انتخاب می‌شود. کدام یک از ۶ نامزد، اداره دولت دوازدهم را برعهده می‌گیرد؟ اولویت‌های دولت جدید کدام است؟ آیا این دولت قادر خواهد بود برای مشکلات مهم اقتصادی و اجتماعی نظیر اشتغال و ازدواج و قدرت خرید مردم و مسکن و ارتقای فرهنگ و اخلاق عمومی چاره‌اندیشی کند؟ این تدبیرها از کجا پدید می‌آید؟ در یک کلام، آیا رفع چالش‌های مهم پیش روی کشور نظیر بیکاری ممکن است یا خیر و انتخاب هر یک از نامزدها چه تأثیری در این روند می‌تواند داشته باشد؟

۱- هر نامزدی را باید با دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌هایی که فارغ از لفظ در عمل از خود نشان می‌دهد، سنجید. اینکه نسبت او با عامه مردم و «خاصّان» و «حلقه اطرافیان و نزدیکان ومؤتلفان» کدام است و هر جا سر دو راهی میان این دو رسیده، کدام یک را انتخاب کرده است؟ دلواپسی‌ها و دل‌مشغولی‌های او از کدام جنس است؟ اهتمام به تکاثر قدرت و ثروت دارد یا در تراز خدمتگزاری زیسته است؟ نسبت او با صالحان و فاجران کدام است؟ امیر مؤمنان(ع) هنگام سپردن مأموریت امارت مصر به جناب مالک اشتر، دو نامه نوشت. حضرت می‌دانست که مالک هیچ گاه به مصر نمی‌رسد و احتمالاً این دو نامه (نامه‌های ۵۳ و ۶۲ نهج‌البلاغه) را برای آیندگان از جمله ما نوشت. در نامه ۶۲ نسبت خود را با سیاست و قدرت معلوم کرد که از کدام منظر می‌نگرد. فرمود «همانا من مشتاق ملاقات پروردگارم و پاداش نیکوی او را انتظار می‌کشم و امیدوارم؛ اما مرا نگران می‌کند اینکه امر سرپرستی امت را سفیهان و فاجران به دست بگیرند؛ بیت‌المال را (به بازیچه) دست به دست کنند، بندگان خدا را به بردگی بگیرند و برای خود بشمارند، با صالحان ستیزه‌جویی کنند و با فاسقان حزب تشکیل دهند».

۲-انسان معمولی برای خرید یک جفت کفش یا لباس، حتماً چند ساعت وقت می‌گذارد؛ چه رسد به اینکه بخواهد برای فرزند خود همسر اختیار کند. با این وصف اگر شنیدیم نایب رئیس مجلس در جواب اعتراض‌ها می‌گوید «۲۰ دقیقه هم برای بررسی و تصویب برجام زیاد بود»- حال آن که حاوی تعهدات ۱۵ ساله بود- آیا نباید در عقل چنین صاحب منصبی شک کنیم؟ یا اگر شنیدیم فلان و بهمان می‌گویند روزگار، دوره مذاکره و گفتمان است نه موشک، و موشک‌پرانی کم عقلی است(!) آیا نباید درباره نفوذ بی‌خردی به میان برخی متولیان امور نگران شویم؟ اگر دیدیم اجازه دست‌درازی به بیت‌المال را داده‌اند و پس از چند مدت نمایش برخورد با متخلفان، همان‌ها را «ذخیره کشور و سرمایه ملی و مدیران نابغه» معرفی می‌کنند، آیا نباید حساس شویم؟ اگر دیدیم فلان مدیر روزنامه مدعی اصلاح‌طلبی و نماینده مجلس، ۱۷۰ میلیون تومان از مفسد اقتصادی مشهور هدیه می‌گیرد و سال‌ها بعد با همان آدم بد نام کله پاچه میل می‌کند، و با همه اینها آروغ مبارزه با فساد اقتصادی در تیترهای اول روزنامه می‌زند، آیا نباید نگران شد؟ اگر سراغ وزیران چند هزار میلیاردی را گرفتیم که فهرست اموال خود را به قوه قضائیه نداده‌اند و دیدیم یکی از همان‌ها در فضای عمومی، فرماندار فلان شهر حاشیه‌ای را -به صرف اینکه گوشه‌ای از رنج‌های مردم را منتقل کرده- مورد اهانت قرار می‌دهد و می‌گوید «بی‌شعور! تو نماینده مردمی یا دولت؟ اگر گذاشتم یک روز دیگر اینجا بمانی»، نباید از وقوع برخی انحراف‌ها نگران شویم و برای قبیل این روندها اقدام کنیم؟ اگر دیدیم مدیرانی به سادگی آب خوردن وعده می‌دهند و از آن ساده‌تر- با توهین به شعور مردم- انکار می‌کنند، سراب به مردم نشان می‌دهند و علیه پوپولیسم بد می‌گویند، آیا نباید برانگیختگی اجتماعی ایجاد شود؟

۳- امیر مؤمنان(ع) نامه ۵۳ نهج‌البلاغه را برای ما و صاحب منصبان ما نوشت و گرنه می‌دانست که پای مالک به مصر نمی‌رسد. برای همین هم در پایان نامه ۲۳ صفحه‌ای به دعا نوشت «از خداوند به وسعت نعمت او و عظیم قدرتش می‌خواهم که... زندگی من و تو را به سعادت و شهادت ختم فرماید». ملاکی را برای مدیریت در این نامه قرار داد که حتی اگر جامعه و حکومتی مسلمان نبودند، اصالت و اعتبار و اهمیت داشت. یک راهی را ترسیم کرد که مسئولان و مدیران نمی‌توانند سر آن دو راهی، هر دو راه را با هم طی کنند و ناچار باید یکی را فرو بگذارند و در دیگری ادامه مسیر بدهند. امیر مؤمنان از یک تضاد و تناقض مهم که افراد را مجبور به انتخاب می‌کند، رازگشایی کرد و امر فرمود «باید که دوست داشتنی‌ترین کارها نزد تو، میانه‌ترین آنها در نسبت با حق باشد، و فراگیرترین آنها نسبت به عدالت، و جامع‌ترین آنها برای رضایت توده مردم؛ که همانا نارضایتی عموم مردم، رضایت خاصّان و خواص را از بین می‌برد و همانا نارضایتی خواص با وجود رضایت عمومی، بخشوده (و پذیرفتنی) است».

۴- حضرت در ادامه یک حقیقت مهم و تجربه شده را مورد تأکید قرار داد؛ فرمود از میان مردم، طبقه‌ای هستند که زحمت و دردسر آنها برای حاکم زیاد است و آن، طبقه خواص است. «از میان مردم، هیچ کس نیست به اندازه خاصان (خواص) که برای والی هزینه سنگین داشته باشد (پر خرج باشد) آنها به هنگام بلا، کمتر از همه یاری می‌رسانند و بیش از دیگران، از انصاف اکراه دارند و ناگوار می‌شمارند. و هنگام خواستن، بیشتر از بقیه مردم اصرار می‌ورزند؛ اگر به آنها ببخشی، کمتر شکرگزاری می‌کنند و اگر منع کنی و به تأخیر بیاندازی، از همه عذرناپذیرتر هستند. و در تلخی‌ها و ناگواری‌های روزگار از همه کم‌طاقت‌تر هستند. و همانا منحصراً، این توده مردمند که ستون دین، و جمعیت مسلمین، و وسیله دفع دشمنند؛ بنابراین باید گوش تو به جانب آنها و تمایل و گرایش تو همراه آنان باشد». در ادامه همین نامه، حضرت تصریح کرد «بر تو باد مراعات طبقه پایین از اهل حاجت و فقر، که رسیدگی و کمک به آنها سزاوار است و هر کدام آنها حقی بر عهده والی دارند و زمامدار نمی‌تواند از عهده این مسئولیت و حق برآید مگر با اهتمام و یاری جستن از خداوند و پروراندن نفس خود برای همراهی با حق و شکیبایی بر آن، چه سبک باشد و چه سنگین».

۵- منطق راهبردی امیر عدالت (ع) یک کلمه بیشتر نیست. نمی‌توان هم جانب حق مردم را گرفت و هم صاحبان نفوذ و ارتباط و گردن کلفت‌ها و اطرافیان و هم باندی‌ها و قوم و خویش‌ها را راضی کرد. در هر جامعه‌ای میزان مشخصی از ثروت و سرمایه عمومی وجود دارد که یا باید به عدالت توزیع شود و مانند جاری آب، تا پای آخرین درخت برسد، و یا اینکه به اجحاف و حیف و میل تقسیم شود و به موازات کوخ‌نشینی مردم، کاخ‌نشین‌ها سر برآورند و از مردم مالیات دست درازی به بیت‌المال را هم بخواهند! اگر قرار شد مثلا با سفارش فلان عنصر متنفّذ در دولت، مدیران ویژه‌خوار در بانک ملت و تجارت و رفاه کارگران و... منصوب شوند - و حقوق و پاداش‌های ۳۰ تا ۷۳۴ میلیون تومانی بگیرند- معلوم است که این قبیل افراد جگونه مدیریت می‌کنند و یک قلم خروجی آنها می‌شود بالغ بر ۵ هزار میلیارد تومان زیان سهامداران دو بانک در بورس طی سال گذشته؛ یا ۱۱ هزار میلیارد تومان غارت امانت معلمان در صندوق ذخیره فرهنگیان! این خیانت‌ها را نمی‌شود با افزایش حقوق ناگهانی و شب انتخاباتی مستمری‌بگیران و کارگران و فرهنگیان جبران کرد.

۶- نمی‌شود دروازه واردات را چنان تبدیل به اتوبان کرد که کشور با رشد ۲۲ درصدی در یک سال، تبدیل به چهارمین رکوددار دنیا شود و آن وقت برای کارگر و کارخانه و تولیدکننده و فعال اقتصادی هم سوگواری‌های شب انتخاباتی ترتیب داد. نمی‌شود یک پای برخی مدیران ارشد در ده‌ها شرکت خصوصی و یک پای دیگرشان در سیاستگذاری‌های دولتی باشد و آنگاه توقع داشته باشیم همین «هوو»های بخش خصوصی، تولیدکنندگان رقیب را به خاک سیاه نشانند؛ یارانه و اعانه پیشکش! نمی‌توان چند محله این طرف‌تر یا آن طرف‌تر از کاخ شاه در سعدآباد، در ولنجک و فرمانیه و زعفرانیه و لواسان، کاخ‌نشینی و ویلانشینی اختیار کرد و از آن ارتفاع پست(!) رنج مسکن مردم جنوب شهر تهران را فهمید؛ شهروند آذربایجانی و کردستانی و ایلامی و خوزستانی و هرمزگانی و سیستان و بلوچستانی و خراسان‌جنوبی و گلستانی که بماند! نمی‌شود انبوه‌ساز مسکن بود و از پیشرفت پروژه مسکن مهر که موجب کاهش قیمت انحصارات شما شده، ناراحت نشد یا سرپناه ۱۰ میلیون شهروند ناامید اما صاحب خانه شده را «مزخرف» نخواند! چنین فحش‌هایی خوردن و شنیدن داشت اگر در حد ناسزا می‌ماند و تبدیل به «تصمیم» برای زمین زدن یک پروژه ملی به هر قیمت نمی‌شد. اجرای مسکن مهر به جای بهتر شدن و رفع ضعف‌ها، باید زمین می‌خورد تا سیاه‌نمایی مطلق علیه دولتمردان قبلی مخدوش نشود؛ حتی اگر موجب تعطیلی و رکود ۳۰۰ شاخه شغلی و صنعتی دیگر در کشور، و رشد منفی ۱۴/۹ درصدی بخش مسکن و تزریق این رکود به کل اقتصاد شود. می‌شد در همین روزگار تحریم، صدها هزار شغل در همین بخش مسکن - بدون یک دلار سرمایه‌گذاری خارجی- ایجاد کرد. مرحوم هاشمی بود که گفت با ۲۰ درصد نقدینگی موجود (۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان) به اقتصاد کشور رونق داد. این‌گونه، نگرانی تورم ناشی از نقدینگی هم برطرف می‌شد. اما در این صورت منافع خاصان چه می‌شد اولا؛ و دیو نشان دادن دولت سابق برعکس درمی‌آمد ثانیا! اکنون با صدها هزار فرصت شغلی در حال از دست رفتن روبرو هستیم که نیاز به بودجه‌های انبوه ندارد و فقط نیازمند رسیدگی و هووزدایی! است.

۷- وعده بلامحل پشت بند وعده‌های قبلی و سپس انکار آن، خلاف چهارچوب‌های حکومت دینی و حتی خلاف مروت و عقلانیت است. امیر مومنان (ع) به حارث همدانی فرمود «بپرهیز از هر عملی که در پنهان انجام شود و در علن موجب شرمندگی گردد؛ و بپرهیز از هر عملی که هرگاه از صاحبش درباره آن بپرسند، انکار کند یا مجبور به عذرخواهی شود» (نامه ۶۹ نهج‌البلاغه). اینکه بگویید اگر ۱۰ میلیون گردشگر بیایند، می‌توان ۴ میلیون شغل درست کرد و اعلام کنید که ۱۹ میلیون گردشگر در همین چند سال به کشور آمدند، اما به هنگام مطالبه عمومی، انکار کنید و بگویید «من چنین وعده‌ای نکرده‌ام و هر کس هم امروز می‌گوید ۵ میلیون شغل درست می‌کنم، دروغگو و پوپولیست است»، مردم را منزجر می‌کند. حالا با فهرست انبوه وعده‌های پشت هم‌اندازی شده برخی مدیران اجرایی می‌توان چند جلد کتاب «وعده‌های سرخرمن»! منتشر کرد. به راستی چگونه می‌شود به مردم گفت تورم را ۸ درصد کرده‌ایم و کارگر و کارمند انتظار افزایش حقوق بیش از این نداشته باشند، اما هزینه جاری دستگاه‌های تحت نظر شما در این چند سال، با ۳ برابر افزایش (۳۰۰ درصد) روبرو شده باشد. بالاخره نرخ تورم ۸ درصد بوده یا ۱۰۰ درصد؟!

۸- هجده روز باقی مانده، به اندازه همه زمانی است که تغییر در افکارعمومی رخ داد و منجر به اتفاقات شگفت در ۳ انتخابات ۷۶، ۸۴ و ۹۲ شد. در سال ۷۶ تا هفته آخر طبق نظرسنجی‌ها، آقای ناطق رئیس‌جمهور بود اما در چند روز شرایط فرق کرد. آقای احمدی‌نژاد در مرحله اول انتخابات سال ۸۴ (۲۷ خرداد) پنج میلیون و هفتصد هزار رأی داشت و در ۳ تیر، همین اقبال عمومی به ۱۸ میلیون رسید. و در سال ۹۲ طبق نظرسنجی مدعیان اصلاح‌طلبی که بعدها از سوی امثال محمدعلی نجفی اعلام شد، آقای روحانی ۳ روز مانده به انتخابات ۱۱ درصد و عارف فقط ۸ درصد رأی داشت. ۱۸ روز باقی مانده تا انتخابات، فرصت تکرار ناشدنی برای همه نخبگان و دلسوزانی است که دغدغه‌ها و نگرانی‌های انقلابی- ملی دارند. این فرصت روشنگری و بسیج ملی برای انتخاب مردمی‌ترین، امانتدارترین، پایبندترین و باندگُریزترین فرد از میان نامزدها را باید قدر شمرد. نامزدها باید در گفتار و رفتار و سوابق همین ویژگی‌ها را به مردم نشان دهند.

محمد ایمانی

نامه سرگشاده جمعی از خانواده شهدای فاجعه منا و مسجدالحرام به رئیس‌جمهور:

آقای روحانی! در مقابل جنایت سعودی‌ها پاسخ شما جز لبخند و انفعال چیز دیگری نبود

جمعی از خانواده‌های شهدای ایرانی فاجعه منا و مسجدالحرام در نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور به سخنان جهانگیری در مناظره اول انتخاباتی درباره سفارت عربستان واکنش نشان داده و تصریح کردند: در مقابل جنایتی که سعودی‌ها با شهروندان متبوع دولت شما انجام دادند، پاسخ شما جز لبخند، التماس و انفعال چیز دیگری نبود و اکنون نیز بیش از آنکه مدافع حقوق شهدای ایرانی فاجعه منا باشید، برای سفارت عربستان در تهران دل می‌سوزانید.

به گزارش فارس، در این نامه خطاب به دکتر حسن روحانی تصریح شده است: سخنان معاون اول جنابعالی در جریان مناظرات انتخاباتی، داغ ما و همه ملت ایران را یک‌بار دیگر تازه کرد. ایشان چنان برای سفارت این رژیم خبیث در تهران دلسوزی می‌کرد که همه ما با خود گفتیم ای‌کاش ذره‌ای از حمایت‌های این‌گونه را نیز از شهدای مظلوم منا که شهروندان ایرانی و اتباع دولت ایران -که جنابعالی تصدی ریاست آن‌را برعهده دارید- از شما و کابینه‌تان می‌دیدیم.

در بخش دیگری از این نامه آمده است: این نامه را ازاین‌رو به جنابعالی نوشتیم که مردم ایران از شما وعده بازگرداندن عزت را به پاسپورت ایرانی در انتخابات گذشته شنیدند و میزان عمل به این وعده را در مواجهه شما و دولتتان با فاجعه غمبار منا مشاهده کردند.

در ادامه این نامه خاطرنشان شده است: فاجعه منا یک کشتار کم‌سابقه شهروندان ایرانی در کشوری خارجی در سال‌های اخیر است. شهروندانی که با پاسپورت ایرانی - که شما وعده عزت‌یابی آن‌را به مردم دادید- عازم سفر حج شدند. درست در روزهای تلخ پس از وقوع این فاجعه که شوک و بهت تلخ این حادثه همه ملت را فراگرفته بود و نگرانی از بابت بازنگرداندن ابدان مطهر شهدا به میهن وجود داشت، جنابعالی در سفر نیویورک سرگرم پرداختن به علاقه‌مندی‌های دیگرتان بودید و بی‌توجه به وسعت فاجعه حاضر نشدید سفر خود را قطع و برای مدیریت درست مواجهه به کشور بازگردید. اوج لطف شما آن بود که سفر خود را تنها یک روز، کوتاه کردید.

در این نامه همچنین آمده است: امیدواریم روزی که اولین گروه از پیکرهای شهدای منا به وطن بازمی‌گشت و سخنانی که در آن مراسم بر زبان بردید را از یاد نبرده باشید! شما که مدعی حقوق‌دان بودن هستید و خود را آشنا به فنون دیپلماسی می‌دانید، آن روز در سخنانی نسنجیده سطح مطالبه‌گری از رژیم سعودی را از سوءمدیریت و مسئولیت یک دولت به خطای چند مأمور دون‌پایه تنزل داده و گفتید: «اگر ثابت شود که عده‌ای از مأمورین در این حادثه تقصیر داشته‌اند ما به‌هیچ‌عنوان از خون عزیزانمان نخواهیم گذشت». شاید بتوان ادعا کرد که هیچ خدمتی بزرگ‌تر از این به رژیم آل‌سعود وجود نداشت که این‌چنین آنها را از ورطه مسئولیت‌پذیری یک دولت رها کند. در بخش دیگری از نامه مذکور خاطرنشان شده است: تنها هنر وزیر خارجه شما آن بود که چندماه بعد قاتلان سعودی شهدای منا را برادر بخواند و با افتخار تصریح کند که «نزدیک به ۵۰۰ زائر ما در مراسم حج کشته شدند، اما ما روابط خود را قطع نکردیم، حتی روابط خود را با عربستان کاهش هم ندادیم».

در این نامه تصریح شده است: آقای روحانی! در مقابل جنایتی که سعودی‌ها با شهروندان متبوع دولت شما انجام دادند، پاسخ شما جز لبخند، التماس و انفعال چیز دیگری نبود و اکنون نیز بیش از آنکه مدافع حقوق شهدای ایرانی فاجعه منا باشید، برای سفارت عربستان در تهران دل می‌سوزانید. قطعا حمله به سفارت سعودی در تهران قابل دفاع و توجیه نیست، اما باید به یاد داشته باشید که شما در صد روز پس از فاجعه منا که هنوز این سفارت در تهران فعال بود و روابط دولتتان با سعودی‌ها برقرار بود، هیچ عمل مثبت و نتیجه بخشی برای دفاع از حقوق شهروندانتان انجام ندادید و حتی همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد به سعودی‌ها برای فرار مسئولیت‌پذیری کمک کردید.

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی:

برخی عوامل حادثه تروریستی میرجاوه شناسایی شده‌اند

حسن بیگی گفت : برابر اعلام مقامات امنیتی، تحقیقاتی در زمینه این حادثه تروریستی انجام شده و برخی از عوامل آن شناسایی شده‌اند.

ابوالفضل حسن‌بیگی نایب رئیس‌دوم کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه قرار بود با حضور هیئت پارلمانی پاکستان امروز حادثه تروریستی میرجاوه در مجلس بررسی شود، اظهار داشت: به دلیل عدم حضور هیئت پاکستانی این جلسه به زمان دیگری موکول شد.

وی با بیان اینکه وزارت امورخارجه، وزارت کشور، نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی در حال پیگیری حادثه تروریستی میرجاوه هستند، ادامه داد: برابر اعلام مقامات امنیتی، تحقیقاتی در زمینه این حادثه تروریستی انجام شده و برخی از عوامل آن شناسایی شده‌اند.

نایب رئیس‌کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با تسنیم تصریح کرد: برای شناسایی و دستگیری عوامل حادثه تروریستی میرجاوه چند روز دیگر زمان لازم است تا کارهای اطلاعاتی و امنیتی کامل انجام و در نهایت عوامل این حادثه دستگیر شوند. روز چهارشنبه (۶اردیبهشت) ساعت ۱۹ در درگیری اشرار مسلح با مرزبانان نیروی انتظامی در میرجاوه، ۹ مرزبان شهید، یک نفر مفقود و دو نفر مجروح شدند.

گفت و شنود

خط خطی!

گفت: دبیرکل حزب کارگزاران در مراسم افتتاح ستاد انتخاباتی آقای روحانی در اصفهان گفته است، می‌توان با قدرت دیپلماسی به مردم سوریه و لبنان و یمن کمک کرد و نیازی به جنگ و اسلحه و کشتن نیست!

گفتم: یعنی می‌توان با تروریست‌های داعش مذاکره کرد؟ و جلوی جنایات آنها را گرفت؟

گفت: کرباسچی می‌گوید بزرگان دیپلماسی ما توانستند با مذاکره با شش ابرقدرت مسئله تحریم را حل کنند پس می‌توان با دیپلماسی مسائل منطقه را هم حل کرد!

گفتم: بزرگان دیپلماسی مورد نظر ایشان به قول خودشان همه امتیازها را داده‌اند و فقط روی کاغذ وعده گرفته‌اند و تحریم‌ها هم برخلاف نظر آقای کرباسچی لغو نشده است.

گفت: کار به جایی رسیده که یک ضدانقلاب فراری به کرباسچی جواب داده و گفته است آقای کرباسچی! دیپلماسی بدون قدرت نظامی یک دروغ پوپولیستی است.

گفتم: یعنی آقایان نمی‌دانند که اگر با تروریست‌ها مقابله نشود، باید در داخل کشور با آنها روبرو شویم؟!

گفت: بعید است ندانند! ولی از روی لج‌بازی با مردم غیرتمند ایران اسلامی به مدافعان حرم که چشم و چراغ ملت هستند، اهانت می‌کنند!

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو برای دزدی رفته بود ولی چون صاحبخانه هوشیار بود، از روی لج‌بازی مشق‌های بچه صاحبخانه را خط‌خطی کرد!

مدیر مسئول کیهان در گفت‌وگو با فارس:

احتمال عبور اصلاح‌طلبان از «روحانی» به «جهانگیری» جدی است

مدیرمسئول روزنامه کیهان با تاکید بر اینکه جهانگیری در جریان مناظره تلویزیونی جمعه خود را نماینده جبهه اصلاحات معرفی کرد و این موضوع تصادفی و اتفاقی نبود، گفت: احتمال اینکه او کنار نکشد از احتمال کناره‌گیری وی بیشتر است.

حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، گفت: شواهد فراوانی حکایت از آن دارند که احتمال عبور مدعیان اصلاحات و کارگزاران از روحانی به سوی جهانگیری جدی است.

مدیر مسئول روزنامه کیهان توضیح داد: روحانی در آغاز با جبهه اصلاحات کاملا جفت و جفت نبود بلکه مجموعه‌ای از آراء اصلاح‌طلبان و توده‌های بیرون از احزاب سیاسی را در سبد رای خود داشت و مدعیان اصلاحات با درک این واقعیت عارف را مجبور به استعفا کردند تا آرای ایشان به سبد روحانی ریخته شود و احتمال پیروزی او را بالا ببرد؛ اما مرحوم هاشمی و خاتمی رای عارف یعنی مجموعه آرای اصلاحات را که حداکثر ۸درصد بود به حساب کل آراء روحانی فاکتور کردند و با اعلام پر سر و صدای حمایت از روحانی، ایشان را نامزد اصلاح‌طلبان جا زدند.

وی افزود: آقای روحانی متاسفانه از این ترکیب غافل بود و خود را برآمده از آرای اصلاح‌طلبان و مدیون آنها تلقی می‌کرد و به همین علت به تدریج رشته‌های ارتباطی خود با توده‌های غیر حزبی را که رای آنان ربطی به اصلاح‌طلبان نداشت برید و این عقبه را از دست داد. روحانی با همین برداشت غلط دست مدعیان اصلاحات و کارگزارانی‌ها را به درون دولت خود باز کرد و فرمان کابینه را در اکثر موارد به آنها سپرد.

مدیر مسئول روزنامه کیهان ادامه داد: آقای روحانی با حرکت در این مسیر به مستاجر کابینه تبدیل شد و نه صاحب آن، تا آنجا که یکی از مدعیان اصلاحات دولت ایشان را رحم اجاره‌ای اصلاح‌طلبان معرفی کرد.

شریعتمداری با بیان اینکه اکنون روحانی عقبه مردمی سال ۹۲ را ندارد که حاصل جمع آن با آرای اصلاح‌طلبان پیروزی ایشان در انتخابات ۹۶ را رقم بزند، اظهار داشت: بنابراین دیگر برای اصلاح‌طلبان سرمایه‌ای تلقی نمی‌شود که آن را با مایه اندک خویش جمع کرده و تاخت بزنند.

مدیر مسئول روزنامه کیهان اظهار داشت: اصلاح‌طلبان می‌دانند که در هیچ یک از دو حالت «با روحانی» و «بدون روحانی» شانسی برای پیروزی در انتخابات ۹۶ ندارند و از سوی دیگر اصلی‌ترین هدف آنها از گره خوردن با روحانی در انتخابات ۹۲، ورود دوباره به عرصه سیاسی کشور بعد از خیانت آنان در فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ بود و دقیقا به همین علت دولت روحانی را «رحم اجاره‌ای» خود می‌دانستند و حالا دیگر جنینی را که در آن رحم‌اجاره‌ای کاشته بودند تا حدودی به ثمر رسیده می‌دانند، از این روی احساس می‌کنند وقت آن رسیده که بدون پیوند با روحانی از فرصت انتخابات برای اعلام حضور در عرصه سیاسی کشور استفاده کنند.

شریعتمداری تاکید کرد: برای مدعیان اصلاحات همین اعلام حضور هدف اصلی است و نه پیروزی در انتخابات که می‌دانند برایشان نامکمن است. مدیر مسئول کیهان با بیان اینکه این که اگر جهانگیری در جریان مناظره تلویزیونی جمعه، خود را نماینده جبهه اصلاحات معرفی کرد تصادفی و اتفاقی نبود، تصریح کرد: ایشان قصد داشت با این اظهارات که در جغرافیای مناظره «جمله معترضه» تلقی می‌شود پیام ورود دوباره اصلاح‌طلبان به عرصه سیاسی کشور را به هواداران مخابره کند.

شریعتمداری در ادامه اظهار داشت: فردای مناظره یعنی روز شنبه روزنامه‌های زنجیره‌ای و سایت‌های همسو با آنها در اقدامی هماهنگ به جای روحانی، جهانگیری را تحویل گرفته و آشکارا آقای روحانی را به حاشیه بردند و با تیترهای درشتی در صفحه اول خود به استقبال جهانگیری رفتند. تیترهائی نظیر «زلزله جهانگیری»، «تاختن جهانگیری»، «طوفان جهانگیری»، «دود در لانه زنبور» و...

مدیر مسئول روزنامه کیهان افزود: همان روز شنبه بعد از مناظره که آقای روحانی به سفر استانی کرمان رفته بود، جمعیتی که برای استقبال از ایشان آمده بودند و بسیاری از آنان را دانش‌آموزان تشکیل داده بودند نیز به جای شعارهای مرسوم در اینگونه اجتماعات که خوش‌آمدگوئی به رئیس‌جمهور است، در اقدامی هماهنگ شعار «اسحاق دوستت داریم» را سر دادند.

شریعتمداری ضمن تاکید بر اینکه این رخدادهای هماهنگ نمی‌تواند تصادفی تلقی شود، افزود: اعلام شده بود که جهانگیری به توصیه عناصر اصلی جبهه اصلاحات و کارگزاران نامزد شده است و ایشان در ابتدا اعلام کرد برای کمک به روحانی و به عنوان مکمل ایشان آمده است اما در جریان مناظره تاکید کرد که آمده است رئیس‌جمهور شود! بنابراین و با توجه به آنچه عرض کردم احتمال اینکه کنار نکشد از احتمال کناره‌گیری وی بیشتر است و البته سخنان چندگانه نیز از مدعیان اصلاحات بعید نیست.

فرستادگان دولت در پی جلب آراء چه قماشی هستند؟!

سخنان کرباسچی در اصفهان، دقیقا زدن خط مرکزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. او در اصفهان و در آئین گشایش ستاد انتخاباتی روحانی، با زیر سؤال بردن فداکاری مدافعان حرم، ادعا کرده بود برای دفاع از حرم اهل بیت و شیعیان و مسلمانان، نیازی به اعزام نیرو به سوریه نیست و باید با تروریست‌ها مذاکره کرد!

این تکرار، ماجرای فتنه ۸۸ است که به بهانه انتخابات، سیاست خارجی نظام را با شعار «نه غزه، نه لبنان جانم فدای ایران» مورد هجمه قرار دادند.

اما یک تفاوت مهم بین سخنان امروز کرباسچی و فتنه‌گران دیروز وجود دارد. آن روز، شروع آشوب‌های منطقه‌ای بود و جریان مقاومت در ضعف قرار داشت و فتنه‌گران امید داشتند با زدن ریشه حمایت ایران، اندک امید جریان مقاومت را ناامید کنند و تروریست‌ها را در سوریه به پیروزی برسانند.

اما امروز مقاومت مقتدر و سرافراز، بر هجوم تروریست‌ها فائق آمده و نفس آنها را بند آورده. در این شرایط، سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی منطقه به ویژه سازمان جاسوسی ترکیه(میت) با انواع حیله‌ها و فتنه‌ها، با خرید سران خائن منطقه و... در پی شکستن قدرت مقاومت در سوریه هستند. سخنان اخیر کرباسچی، بدون کمترین تردیدی همراهی با این الگوی میت و در راستای آرزوی آنهاست.

فارغ از اینکه اصل سخن شخصی مثل کرباسچی چه به لحاظ خودش و چه به لحاظ محتوا، آنقدر بی‌ارزش و سخیف است که ارزش توجه و پرداختن ندارد، این همنوایی و هم‌الگویی با دشمن، موضوع ساده‌ای نیست که مورد توجه قرار نگیرد وگرنه کیست که نداند شخصی مثل ایشان که پرونده مفتوح فساد مالی و... در کارنامه داشته و در نظام اسلامی محکوم به حبس و زندان شده است، وقتی بدیهی‌ترین گزاره عقلی یعنی لزوم مقاومت در برابر تروریست‌ها را رد می‌کند و کار ارزشمند شهدای مدافع حرم را بی‌ارزش و بی‌وجه می‌شمارد، نه حرفش و نه خودش اهمیتی ندارد.

ظاهرا کرباسچی به یاد نمی‌آورد که در سال‌های نخست جنگ سوریه، آمریکا و نوکران منطقه‌ای او اصلا ایران را به مذاکرات مربوط به جنگ سوریه راه نمی‌دادند! آن سال‌ها کنفرانس‌هایی موسوم به «دوستان سوریه»! تشکیل می‌شد که عربستان، قطر، ترکیه و... برای تعیین سرنوشت مردم سوریه دور هم جمع می‌شدند اما ایران را به آن اجلاس راهی نبود. اما اکنون و در اثر فداکاری مدافعان حرم، ایران اسلامی است که اجلاس برگزار می‌کند و تعیین می‌کند چه کشوری در آن اجلاس شرکت کند. کاش کرباسچی این بدیهیات ساده عقلی را می‌فهمید. چه خوب است افرادی مثل کرباسچی، به جای تئوری‌پردازی و همنوایی با دشمن، برای اجرای راهکار خودش، مدتی به سوریه یا موصل عراق برود، با تروریست‌ها مذاکره کند و به هر شکل ممکن، تیغ آنها را از گلوی مردم بی‌گناه عراق و سوریه بردارد. در روزگاری که حتی ضدانقلاب هم نسبت به رشادت مدافعان حرم سر تعظیم فرود می‌آورد، این قبیل سخنان، پرده از ماهیت وی برمی‌دارد. کاش کرباسچی غیرت را از ضدانقلاب می‌آموخت.

گفتنی است چند روز قبل و باز هم در جریان افتتاح ستاد آقای روحانی در ایلام که با حضور دکتر پزشکیان یکی دیگر از حامیان سینه‌چاک دولت برگزار شده بود، مجری برنامه متن طنزگونه و اهانت‌آمیزی را علیه ساحت مقدس حضرت امام رضا علیه‌السلام قرائت کرد و دکتر پزشکیان که انتظار می‌رفت غیرت دینی‌اش به جوش آمده و زبان به اعتراض بگشاید نه فقط کمترین اعتراضی نکرد بلکه با سکوت خود بر این اقدام شرم‌آور و ننگین صحه گذاشت.

راستی در ستادهای آقای روحانی چه خبر است؟! و فرستادگان ایشان در پی جلب آراء چه قماشی هستند؟!

جهانگیری چشم سعودی‌ها را گرفت

اظهارات مغالطه‌آمیز معاون اول روحانی در مناظره، دل از رسانه‌های آل‌سعود برد!

رسانه‌های وابسته به دربار آل‌سعود، مانند العربیه و الشرق‌الاوسط ضمن استقبال از سخنان جهانگیری درباره حمله به سفارت عربستان، این بخش از سخنان وی را برجسته کرده و نشانه حقانیت جنایتکاران سعودی دانستند. الشرق‌الاوسط مدعی شد جهانگیری با همین سخنانش در زمینه ادعای همکاری عاملان حمله به سفارت عربستان با قالیباف، نگاه‌ها را ربود(!) این روزنامه نوشت: «در اولین مناظره انتخاباتی ایران، قالیباف سیاست‌های دولت فعلی در سطح مدیریت بحران‌های کنونی از جمله بحران بیکاری را به چالش کشید اما در مقابل جهانگیری به نقش قالیباف در پی‌ریزی حمله به مقر نمایندگی سیاسی عربستان در آغاز ژانویه ۲۰۱۶ اشاره و تأکید کرد که این حمله بر تلاش دولت جهت ایجاد فرصت‌های شغلی از راه فعال کردن توریسم تأثیر منفی گذاشت. جهانگیری گفت ایران ۷۰۰ هزار توریست سعودی را که سالانه رهسپار مشهد می‌شدند، به خاطر حمله به سفارت کشور عربستان از دست داد.»

خبر ویژه

اظهارات توأم با بی‌اخلاقی و بی‌انصافی جهانگیری در حالی عنوان شد که رژیم آل‌سعود با ارتکاب جنایتی بزرگ، ۵۰۰ حاجی ایرانی را مظلومانه به شهادت رسانده بود اما دولت روحانی هیچ اعتراض و واکنش جدی به موضوع نشان نمی‌داد.

گزارش فرانس‌پرس از تکرار شگفتی در انتخابات ایران

خبرگزاری فرانسه در گزارشی پیروزی‌های غیر منتظره همواره در انتخابات ایران رخ داده است.

فرانس‌پرس نوشت: انتخابات ایران، تاریخچه‌ای از پیروزی‌های غیر منتظره است. در انتخابات سال ۹۲ پیش‌بینی نمی‌شد روحانی برنده شود. او یک میانه‌رو است. اما او اکنون بیش از آن چه انتظار می‌رود با کارزاری دشوار مواجه خواهد بود، دو رقیب او ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف هستند.

این خبرگزاری می‌افزاید: انتخابات ایران در دوره‌های مختلف شاهد شگفتی‌های بسیار بوده است و به ندرت می‌توان نتیجه انتخابات را پیش‌بینی کرد. سال ۱۹۹۷، پیروزی محمدخاتمی یک شوک بود. مایکل اکسورثی مورخ انگلیسی می‌گوید در سال ۲۰۰۵ این بار نوبت احمدی‌نژاد بود که با پیروزی خود، ناظران را شوکه کند.

فرانس پرس افزود: روحانی نیز با کسب ۵۱ درصد آرا پیروز شد.

خبرگزاری فرانسه با پیش‌بینی احتمال یک غافلگیری جدید از قول اکسورثی نوشت: ناظران بیرونی با آنچه از شمال تهران می‌شنوند به تحلیل می‌پردازند و همواره قادر نیستند آنچه را که در باقی نقاط کشور می‌گذرد را مورد اندازه‌گیری و ارزیابی قرار دهند. بنابراین آیا این بار نیز آشفتگی و وقوع امری دور از انتظار ممکن است در این دوره از انتخابات روی دهد، چرا که گمانه‌زنی‌های بسیاری در رسانه‌ها وجود دارد. اکنون برخی رسانه‌ها روحانی را برنده نشان می‌دهند.

در همین حال خبرگزاری اسپوتنیک در گزارشی خاطرنشان کرد: رأی حسن روحانی احتمالاً به خاطر شرایط اقتصادی با ریزش روبرو خواهد شد و بسیاری از رأی‌دهندگان سابق، علاقه‌ای به رأی دادن مجدد به وی نخواهند داشت. در مقابل، رئیسی و قالیباف اگر بتوانند چهره آلترناتیوی مقبول از خود نشان دهند، احتمالاً غیر از آراء طیف خود، رأی بسیاری از ناراضیان از عملکرد دولت را نیز می‌توانند جذب کنند.

این خبرگزاری می‌افزاید: جهانگیری که برای دفاع از روحانی آمده، باید به جای آمار و ارقام، با لحنی قابل پذیرش توسط مردم سخن بگوید وگرنه مردم اهمیتی به آمار و ارقام نمی‌دهند. دشواری کار روحانی این است که او ۴ سال پیش تنها، با رأی ۵۰/۷ درصد پیروز شد اما اکنون افراد زیادی از او دلسرد هستند. اگر ریزش رأی روحانی بیش از ۱۰ درصد باشد، ممکن است همه چیز تغییر کند و رقبای وی، کار را در مرحله دوم تمام کنند.

دولت باید از هزینه‌های خود بکاهد نه اینکه از زندگی حقوق بگیران بزند

«ادعای تک رقمی بودن تورم، توضیح قابل قبولی درباره پایین نگه داشتن حقوق کارگران از سوی دولت نیست».

حسین راغفر استاد دانشگاه الزهرا در مصاحبه با ایلنا درباره محدود کردن افزایش حقوق کارگران به نرخ تورم اعلامی گفت: با توجه به واقعیات اقتصاد، این که توان افزایش بیش از این وجود ندارد، چندان صحیح نیست. ما متأسفانه به درستی نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم. نظام مالیاتی درست کار نمی‌کند؛ اگر نظام مالیاتی کشور درست کار می‌کرد و مالیات به نحو صحیح پرداخت می‌شد، دولت می‌توانست منابع کافی برای تأمین هزینه‌های عمومی در اختیار داشته باشد.

وی می‌افزاید: صرف اینکه با استناد به نرخ تورم، دستمزد را تعدیل کردیم فقط یک توجیه کلان است. باید پرسید پس مسئول سرکوب دستمزد در سال‌های گذشته که موجب ایجاد شکاف عمیق میان درآمد و هزینه خانوارهای دستمزدبگیر شده چه کسی است. پس به نظر می‌رسد که این نکته یعنی تک رقمی بودن تورم، توضیح قابل پذیرشی نیست و به نظر می‌رسد که خود دولت هم معترف است که با این دستمزدها کسی نمی‌تواند زندگی انسانی داشته باشد و این مسئله بدون تردید عوارض جدی دارد. دولت‌ها اگر به هزینه‌های همه جانبه چنین دستمزدهای پایینی توجه کنند به این راحتی از کنار مسئله معیشت نمی‌گذرند؛ حتی اگر فقط هزینه‌ها در بعد اقتصاد را در نظر بگیرند بدون تردید باید کاری بکنند.

این کارشناس اقتصادی گفت: دولت می‌توانست بخشی از عقب‌ماندگی مزدی را به صورت کالا برگ به مزدبگیران پرداخت کند. بهتر است توضیح بدهم که این کالابرگ، ضرورتا به معنای کالا نیست؛ می‌تواند خدمات درمانی رایگان و دردسترس باشد، می‌تواند آموزش و پرورش رایگان باشد یا اینکه کارت حمل‌ونقل عمومی ارزان قیمت و یا رایگان در نظر گرفته شود. این تسهیلات می‌تواند حداقل بخشی از عقب‌ماندگی مزدی سال‌ها و دهه‌های گذشته را جبران کند.

راغفر افزود: دولت اگر کمر همت ببندد، می‌تواند به راحتی بخشی از سبد هزینه‌های خانوارهای کارگری را پرداخت کند. اگر این هزینه‌ها پرداخت نشود هزینه‌های جانبی خود را در عرصه‌های دیگر نشان می‌دهد. یکی از نتایج آن همین کاهش کارآیی در بازار کار است یا یک بی‌انگیزگی نهادینه شده است که می‌بینیم سال‌هاست خیلی‌ها از کار کردن طفره می‌روند یا از طرف دیگر به خاطر تأمین نشدن هزینه‌های زندگی جمعیت بزرگی از نیروهای متخصص و ماهر از بازار کار خارج می‌شوند که این نیروها سرمایه ملی هستند و با این خروج، سرمایه ملی هدر می‌شود. سرکوب مزدی فقط مربوط به کارگران نیست در حیطه کارمندان هم معنا پیدا می‌کند. در واقع همه نیروی کار مزدبگیر را در بر می‌گیرد. طبیعتاً این قابل قبول است که هزینه‌های دولت زیاد است و در حال حاضر دولت با بدهی‌های زیادی مواجه است اما دولت باید هزینه‌های خود را در جاهای دیگر کم کند نه اینکه از سبد معاش اکثریت طبقات متوسط و پایین جامعه بزند.

کدام ۷۰۰ هزار شغل؟ حداکثر ۱۱۳ هزار شغل!

آمارهای رسمی مرکز آمار حکایت از ایجاد ۱۱۳ هزار شغل در سال دارد و هم رئیس مرکز آمار خبر از ایجاد ۴۹۰ هزار شغل در سال در دولت تدبیر داده است اما دولتی‌ها همچنان مدعی ایجاد ۷۰۰ هزار شغل در سال هستند.

به گزارش مشرق، در حالی ۴ سال دوره فعالیت دولت روحانی سپری شد که هیچ کدام از وعده‌های انتخاباتی دولت برای حل معضل بیکاری محقق نشده و شمار بالای بیکاران بیانگر این موضوع است که دولت در بحث اشتغال‌زایی ناموفق عمل کرده است. عدم توجه دقیق دولت به آمارهای بازار کار تا جایی است که حسن روحانی اوایل ۹۵ دستور تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری را تا پایان این دولت داده بود که این دستور تنها روی کاغذ باقی ماند و محقق نشد. براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۹۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شد، نرخ بیکاری در سال جاری با افزایش ۱/۴ درصدی، ۱۲/۴ درصد و تعداد بیکاران ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار و ۳۹۸ نفر اعلام شد.

اوایل فروردین‌ماه سال جاری بود که عیسی منصوری، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر کار در آستانه انتخابات مدعی شد که این دولت در چهار سال گذشته سالانه ۷۰۰ هزار شغل و در مجموع ۲/۸ میلیون شغل ایجاد کرده است، این در حالی است که امیدعلی پارسا، رئیس مرکز آمار ایران در زنجان گفت: دولت تدبیر و امید از ابتدای سال ۹۲ تا انتهای سال ۹۵، به طور متوسط سالانه ۴۹۰ هزار شغل در کشور ایجاد کرده است.

این در حالی است که گزارش‌های مرکز آمار میزان اشتغالزایی دولت تدبیر را کمتر از میزانی که علی پارسا ادعا دارد نشان می‌دهد. در تابستان سال ۹۲ که روحانی دولت را تحویل گرفت، جمعیت فعال کشور ۲۴ میلیون و ۷۵۴ هزار نفر، جمعیت بیکار ۲ میلیون و ۵۶۳ هزار نفر و کل جمعیت شاغل کشور ۲۲ میلیون و ۱۹۱ هزار نفر بوده است.

همچنین، طبق گزارش رسمی مرکز آمار ایران در پایان سال ۹۵ یعنی پس از ۴۲ ماه جمعیت فعال کشور به ۲۵ میلیون و ۷۹۱ هزار نفر رسید که از این میزان ۳ میلیون و ۲۰۳ هزار نفر بیکار و ۲۲ میلیون و ۵۸۸ هزار نفر شاغل بوده‌اند، یعنی در این دولت به طور خالص طی سه سال و نیم تنها ۳۹۷ هزار شغل ایجاد شده است.

براین اساس، دولت تدبیر در این سالها به طور خالص ماهانه ۹۴۵۰ و سالانه ۱۱۳ هزار شغل ایجاد کرده نه ۷۰۰ هزار شغل. در حالت کلی ادعای ایجاد ۷۰۰ هزار شغل هم به روایت آمار مرکز آمار و هم به ادعای رئیس مرکز آمار درست نیست.

حمله می‌کنند اما با پروژه‌های بزرگ آنها عکس یادگاری می‌گیرند

سایت‌ها و روزنامه‌های زنجیره‌ای در حالی وزرای نفت دولت سابق را هو می‌کنند که دولت با پروژه‌های عمرانی خیره‌کننده آنها عکس یادگاری می‌گیرد.

چند هفته‌ای است که شبکه رسانه‌های زنجیره‌ای به آقایان رستم قاسمی و میرکاظمی تحت عنوان این که وزیر دولت احمدی‌نژاد بوده‌اند و حالا در ستاد رئیسی چه می‌کنند، حمله می‌کنند. اما جالب است که بدانیم برخی پروژه‌های بزرگ افتتاح شده از سوی دولت در سال‌ها و هفته‌های اخیر، از جمله در فازهای مختلف پارس‌جنوبی (و یا موضوع راه‌اندازی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و اعلام خودکفایی بنزین) که بارها از سوی رئیس‌جمهور و معاون اول او مورد تبلیغات قرار گرفته، دست بر قضا حاصل دوره مدیریت آقایان قاسمی و میرکاظمی و همچنین همت بلند قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیای(ص) سپاه بوده است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* با سلام به پیشگاه آقا امام زمان مهدی موعود(عج) و تبریک به مناسبت فرا رسیدن ایام‌الله فرخنده ماه شعبان و ضمن عرض شرمندگی به ساحت مقدس امام هشتم، علی‌ابن موسی‌الرضا(ع)، از طرفداران و مریدان کدخدای دنیای کفر غیر از این توقعی نمی‌رفت که توهین به امام معصوم (ع) شود. «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

یک جانباز شیمیایی

* نامزدهای انتخاباتی باید مسئولیت اهانت‌ها و تخلفات و هتک مقدسات توسط مدیران ستادهای انتخاباتی‌شان را پاسخگو باشند در غیر این صورت این رویدادها توهین کاندیدای مورد نظر به ارزش‌ها تلقی می‌شود.

۰۲۱---۲۳۶۵

* اگر کلید دولت هیچ قفلی از مشکلات مردم را نگشوده به جای آن درب امکانات دولتی را به روی مدیران اشرافی و نجومی‌بگیران و... و حالا هم برای ستاد انتخاباتی دولت باز کرده است. کاش کلید آقای روحانی قفل مشکلات و معیشت مردم را هم به همین سادگی باز می‌کرد.

هراتی

* به روزنامه‌های زنجیره‌ای شرق، آرمان، مردم‌سالاری، جمهوری و... زنگ زدم گفتم مایه تاسف است که آقای جهانگیری، آل یهود سعودی را طلبکار ما کرد. گویا کشتن پانصد زائر حرم امن الهی و تعرض به دو نوجوان حق مسلم و قانونی آل سعود حیوان‌صفت بوده است!

صاحبی- کهگیلویه و بویراحمد

* ما فرهنگیان در انتخابات نشان خواهیم داد کسانی که به صندوق ذخیره فرهنگیان همانند ارث فامیلی نگاه کردند و آنانی که این قشر حرامخوار را حمایت کردند، از حمایت ما فرهنگیان بی‌نصیب خواهند بود زیرا فرهنگیان مدیرانی را می‌پسندند که قدردان زحمات‌شان باشد نه صرفا ارتزاق‌کننده از سفره‌شان.

۰۲۱---۲۹۱۲

* دولت اگر برنامه‌ای سازنده داشت در طی این چند سال ثمراتی به همراه داشت. دغدغه دلسوزان درباره ادامه یافتن چنین وضعی این است که در آینده که طبعا اوضاع پیچیده‌تر خواهد شد بی‌برنامگی ادامه خواهد داشت و مشکلات چند برابر می‌شود.

۰۹۱۹---۲۲۹۸

* آقای جهانگیری تلویحا گفت برای دفاع و گرفتن حقوق اصلاح‌طلبان آمده است. به ایشان عرض می‌کنم که آشوب و فتنه سال ۸۸ خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کشور وارد آورد و این امت حزب‌الله و مومن بودند که اسباب فتنه مدعیان اصلاح‌طلبی را برچیدند. امروز مردم معتقدند با خیانتی که برخی مدعیان اصلاحات در سال ۸۸ به کشور کردند خیلی گستاخی می‌خواهد که طلبکار هم باشند. کاش معاون اول رئیس‌جمهور یازدهم به انگیزه ساختن کشور و نه ضربه‌گیری و یا حمایت از مجرمان به صحنه انتخابات می‌آمد.

لطفی- تهران و ۰۲۱---۶۱۱۵

* فشارهای اقتصادی کمر مردم را خم کرده است اما آنچه بیشتر آزاردهنده است عدم پذیرش آن از سوی دولتمردان است. آقایان افتخار می‌کنند تورم را تک‌رقمی کرده‌اند! مگر تک‌رقمی کردن تورم دستوری است؟! جیب مردم تک‌رقمی را باور نمی‌کند. در کنار این واقعیت، آنچه شاهد آن بوده‌ایم حقوق‌های نجومی، دریافت وام‌های میلیاردی و عدم پرداخت اقساط از سوی دریافت‌کنندگان نجومی، رشد فساد اقتصادی در دولت یازدهم بوده است.

۰۹۱۵---۱۷۱۳

* کسی که بر این باور است کشور تا صد سال آینده بر مشکلاتش فائق نمی‌آید بر چه اساسی خود را کاندیدا کرده است؟ آیا چنین تفکری گامی به پیش برخواهد داشت یا به ساختن قله‌های ثروت در کنار گودال‌های عمیق خیل محرومان و افزایش حقوق‌های نجومی بسنده می‌کند؟!

۰۹۳۵---۴۱۱۷و۰۹۳۶---۰۸۸۰ و ۰۹۳۵---۲۸۴۶

* اینکه آقای روحانی و جهانگیری از برنامه‌های خود در زمینه اشتغال برای جوانان سخن می‌گویند ، مردم با تجربه‌ای که از این چند سال دارند فقط خنده‌شان می‌گیرد.

کاظمی- ساری

* ان‌شاءالله ملت دست رد بر سینه کسانی خواهد زد که از دشمن واهمه دارند و قدرت دشمن را به رخ ملت می‌کشند.

۰۹۱۴---۹۵۹۰

* آقای روحانی، آیا بهتر نیست نگاهی به لیست بهای کالاها در ۴ سال قبل بیندازید و آنها را با امسال مقایسه کنید؟ آن وقت بهتر می‌توانید نسبت به آمارهای اعلام شده و جیب مردم که چهار سال قبل آن را ملاک می‌دانستید قضاوت کنید.

منوچهر چگینی

* آقای جهانگیری نامزد ریاست‌جمهوری به رئیس‌جمهور شدن خودش می‌خندد! معنی این خنده این است که با دستان خالی چگونه می‌توان انتظار انتخاب شدن از سوی مردم را داشت؟!

۰۳۱---۳۱۷۶

* برخی کاندیداها طی ۴ سال گذشته به خوبی نشان دادند که رحماءعلی‌الکفار و اشداء علی‌المومنین هستند!

۰۹۱۱---۲۵۹۱

* برای حل مشکل اقتصادی باید در قانون تعرفه‌های ترجیحی که باعث نابودی تولید داخلی شده بازنگری شود.

۰۹۱۸---۴۲۰۵

* لازم است دولت معیارهای حقوق پرداختی در کشور را کارشناسی مجدد نماید و بحث تطابق آن با تقدم و نقطه جغرافیایی را بررسی و طبق نیازهای روز جامعه اقدام نماید تا پاسخگوی نیازهای اساسی امروز مردم باشد.

۰۹۱۶---۱۶۸۵

* وام مسکن چند درصد قیمت یک واحد آپارتمان است و بر طبق چه معیارهایی محاسبه و تعیین شده است؟

۰۹۱۶---۰۶۸۵

* من یک جانباز ۵۵ درصد هستم. در بهمن ماه ۹۵، با مشقت و سختی یک دستگاه خودروی ساینا (تیبای جدید) خریدم تا با توجه به وضعیت جسمی‌ام عصای دستم باشد متاسفانه در تاریخ ۹۵/۱۱/۲۷ تصادف کردم و از تاریخ ۹۵/۱۲/۲۹ تاکنون خودرو در یکی از تعمیرگاههای مجاز سایپا بین نواب و رودکی در حال تعمیر است! از تاریخ ۹۶/۱/۱۹ تنها برای سینی جای چراغ کامل ما را معطل کرده‌اند و چند روزی است که حتی به تلفن‌های ما هم جواب نمی‌دهند! از مسئولین امر درخواست رسیدگی دارم. آیا چهل روز برای تعمیر کافی نیست؟

حلمی- جانباز ۵۵ درصد

* از اسفند سال ۹۵ خودروهایی که ایران‌خودرو به مشتریان فروخته است تا به امروز فاقد برگ بیمه‌نامه است و متاسفانه مسئولین ایران‌خودرو پاسخگوی مشتریان نیستند. از کیهان تقاضا دارم اعتراض ما را به گوش مسئولین برساند.

عابدینی- کرج

* در مناظره‌ها از میزان دارایی‌ها و از کجا آورده‌اند هم سوال شود.

۰۹۱۲---۶۲۷۳

* آقای فرماندار اردکان یزد که مجری برگزاری انتخابات است چطور در کنسرتی که برای تبلیغات انتخاباتی آقای روحانی برگزار می‌شود شرکت می‌کند؟!

۰۹۱۳---۱۸۶۶

* آقای نعمت‌زاده، وقتی دولت درکی از حمایت از برند ملی و صنعت بومی نداشته باشد نتیجه‌اش تعطیلی یک به یک کارخانه‌ها در خلأ حمایت دولت می‌شود. کاش به جای تن دادن به تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی سعی در حمایت، ارتقای کیفیت و جهانی کردن آنها داشتید و به جای فراهم کردن واردات اجناس خارجی به چرخه اقتصاد داخلی و به روز کردن صنایع کشور اهمیت می‌دادید.

۰۲۷---۸۳۹۵

* در سال ۱۳۹۱ در مسکن مهر پردیس فاز ۱۱ ثبت‌نام کردم و قرار بود که یک سال و نیم بعد واحد ثبت‌نامی را تحویل بدهند که متأسفانه تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته و فقط در حد وعده و وعید باقی مانده است. چه کسی پاسخگوی مشکلات پیش آمده برای امثال ماست؟

یک پیام

* بعد از حادثه ساختمان پلاسکو طبق مصوبه دولت قرار شد کسانی که بیمه نیستند ۴ ماه بیمه بیکاری به حسابشان واریز شود. حدود ۸۸۰ نفر از کارگران فاقد بیمه بیکاری بودند که دو ماه آن در سال گذشته به حسابشان واریز شد و دو ماه بقیه را به بعد از عید موکول کردند. با گذشت ۴۰ روز از سال ۹۶ و با پیگیری‌های متعدد از سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار متاسفانه هیچ کدام پاسخگو نیستند و به بعد از انتخابات حواله می‌دهند! از مسئولان امر درخواست می‌شود به تعهدات خود عمل کنند.

جمعی از کارگران بیمه نشده پلاسکو

* تکلیف بیمه رانندگان چرا روشن نشد؟ سیصد هزار تومان حق بیمه اختیاری تامین اجتماعی برای دو نفر ۲ ماه قبل از عید پرداخت کردم اما برای ۲ ماه بعد از عید پانصد هزار تومان شد! چرا؟ آخر از کجا تامین کنیم؟ از مسئولان امر درخواست رسیدگی دارم.

۰۹۳۶---۲۵۵۵